

رساله فلکیه

در علم سیاحت

تأليف

عبدالله بن محمدکمالاندرانی

تقریباً در سنة ۸۶۵ هجری

به تصحيح

والتر هینس

رساله فلکیه

اثری ارزشمند اما کمتر شناخته شده

شناخت تقسیم بندیهای رایج در میان نظامات محاسباتی دوران ایران بعد از اسلام دربرگیرنده سه نظام حساب الکتاب، حساب جمل و حساب هندی امکان دسته‌بندی متون دانش حساب و تعیین جایگاه هر متن را فراهم می‌سازد. نظام محاسبه حساب الکتاب که مجموعه‌ای از فنون حسابداری دیوانی بود از پیش از ورود اسلام به ایران و پس از آن در جهت خدمت رسانی به حکومت یا بزرگترین سازمان مالی کشور بکار می‌رفت. اما شکی نیست که با ورود حساب جمل به ایران در دوره ساسانی و پس از آن ورود حساب هندی در قرون نخستین اسلامی از هند حساب الکتاب تحت تأثیر شیوه‌های محاسباتی این دو نظام وارداتی قرار گرفت. رساله ابوالوفاء بوزجانی نوشته شده در قرن چهارم هجری قمری در زمینه حساب الکتاب از نخستین متون این دانش در عصر اسلامی ایران است.^۱ رساله فلکیه نیز از جمله متونی است که در نیمه دوم قرن نهم هجری قمری و حدود سال ۸۷۱ هجری قمری به منظور آموزش حسابداری دیوانی یا «فن سیاحت» به مأموران دیوانی به دست عبدالله بن محمد بن کیامازندرانی نگاشته شد. متن فارسی رساله فلکیه به همراه مقدمه و یک فهرست اعلام به زبان آلمانی در سال ۱۹۵۲ میلادی توسط والتر هینتس در ویس باذن آلمان به چاپ رسیده است.

مورخان دوره مغول، جلایری و قراقویینلو از دیدگاههای متفاوتی می‌توانند به رساله فلکیه بنگرند و در پرتو هر دیدگاه اطلاعات گران بهایی از آن بدست آورند. از اینرو پژوهشگر دوره قراقویینلو در مسیر یک پژوهش عمودی می‌تواند با گذاردن رساله فلکیه در میان مجموعه متون حسابداری بجای مانده از سایر دوران تاریخی ایران مانند رساله حساب الکتاب بوزجانی، قانون السعادة، سعادت نامه، شمس السیاق و

بحر السیاق ... جایگاه دانش حسابداری و نیز چگونگی آموزش حسابداری دوره قراقویینلو را نسبت به دیگر دوران تاریخی ایران تعیین نماید. همچنین مورخ دوره قراقویینلو به کمک متن رساله فلکیه می‌تواند در چارچوب مطالعات تطبیقی با انجام یک پژوهش افقی بر روی مجموعه متون حسابداری سایر حکومت‌های اسلامی وضعیت حسابداری دیوانی ایران در مقایسه با دیگر جوامع اسلامی در همان عصر را روشن نماید.

تردید نیست که انگیزه عبدالله بن محمد بن کیامازندرانی از نگارش رساله فلکیه آموزش حسابداری دیوانی به مبتدیان بوده است. بنابراین اگر پژوهشگر مطالعات خویش را مبتنی بر انگیزه نویسنده نماید با یک نگرش عمومی بر رساله فلکیه می‌تواند به چگونگی روند تداول سنت حسابداری دیوانی در دوران مغول، جلایری و قراقویینلو پی ببرد. زیرا اگرچه رساله در اواخر حکومت قراقویینلو نگاشته شد اما نگارنده رساله با عرضه نمونه‌های بسیاری تلاش کرده است سنت واحد اداری ایران در زمینه حسابداری دیوانی را از نخستین سالهای قرن هشتم هجری قمری تا اواخر قرن نهم هجری قمری به تصویر کشد و خواننده را با یک شیوه پایدار دیوانی آشنا کند تا بدین وسیله سنت ثابت عرضه شده در رساله الگوی حسابداری دیوانی ادوار پسین قرار گیرد. وی برای عرضه آموزه‌های مورد نظر خود رساله را به فصول متعددی شامل هشت فصل اصلی تقسیم نمود و بنابر ضرورت فصلهای شش، هفت و هشت را نیز به قسمتهای جزئی تر تقسیم کرد. روش وی در بیان موضوعات از این قرار است که نخست موضوع مورد نظر را توضیح داده و سپس برای تأیید گفتار خویش نمونه‌های کاربردی مفیدی ارائه می‌نماید. اما استثنائاتی نیز به چشم می‌خورد زیرا در پاره‌ای از موارد در پی توضیح قاعده‌ای از سوی نویسنده نمونه کاربردی آن قاعده به چشم نمی‌خورد. بعنوان نمونه هنگام توضیح رقم «کیلچه» هیچ گونه نمونه‌ای که نشانگر مصداق کاربردی رقم «کیلچه» باشد دیده نمی‌شود.^۲ همچنین نویسنده پس از توضیح قواعد «حرف و دفعه» می‌نویسند «بر موجبی که مثال نموده می‌شود» اما پس از این عبارت نشانه‌ای از نمونه وعد داده شده دیده نمی‌شود.^۳ گویا ناخوانا بودن نسخه خطی و یا افتادگی در اثر سهل انگاری نسخه بردار موجب وقوع این گونه از کاستیها گردیده است. بهر حال نشانی هر یک از قواعد و اصول حسابداری عرضه شده در رساله در «جدول محتویات رساله فلکیه» جهت آگاهی پژوهشگران در پایان همین نوشتار آمده است.

رساله فلکیه از جمله متونی است که در کنار متونه ریاضیات نظری آن دوره یکی از جنبه‌های کاربردی دانش حساب عصر خویش را بر ما روشن می‌سازد. از اینرو اگر مورخ تاریخ علم در پی شناخت چگونگی تأثیرات ریاضیات نظری ادوار پیش از قراقویینلو و به ویژه ریاضیات نظری دوره مغول و ریاضیات نظری تیموریان در همان عصر بر حساب کاربردی دوره قراقویینلو باشد با بهره‌گیری از رساله فلکیه می‌تواند به

چند و چون موضوع پی ببرد.

اما رساله فلکیه به همان میزان که از حیث توجه برانگیزه نویسنده از نگارش برای پژوهشگر مفید می باشد. از حیث عدم توجه به انگیزه نویسنده از نگارش نیز سودمند است. زیرا با این دیدگاه مورخ می تواند از اطلاعات تاریخی ارائه شده در رساله فلکیه بدون توجه به قواعد و اصول حسابداری دیوانی طرح شده به صورت جزئی و خارج از طرح نویسنده بیشترین بهره ممکن را کسب نماید. بنابراین توجه به چارچوبهای زمانی و مکانی اطلاعات تاریخی رساله از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو دانستی است که رساله فلکیه در یک گستره زمانی به طول دو قرن شامل قرون هشتم و نهم هجری قمری اطلاعات تاریخی مفیدی در اختیار پژوهشگر این قرون می گذارد. این گستره زمانی در فاصله میان سال ۷۳۴ هـ ق / ۱۳۳۳ م تا ۸۷۱ هـ ق / ۱۴۶۶ م قرار دارد و به طور دقیق در برگیرنده هجده سال می باشد که دوازده سال شامل سالهای ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۶۰، ۷۶۴، ۷۶۵ در بستر زمانی قرن هشتم هجری قمری برابر با چهارده میلادی قرار دارند و شش سال شامل سالهای ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲ در بستر زمانی قرن نهم هجری قمری / چهارده میلادی چه از جنبه فزونی تعداد سالها و چه از حیث گستردگی حجم اطلاعات عرضه شده در ارتباط با هر سال اطلاعات تاریخی مربوط به سالهای قرن نهم هجری قمری / پانزده میلادی از برتری چشمگیری برخوردار هستند. بنابراین ۱۵ از اطلاعات تاریخی رساله فلکیه به سالهای قرن هشتم هجری قمری اختصاص دارد و کمتر از ۱/۳ داده‌های خام رساله اطلاعاتی در زمینه سالهای قرن نهم هجری قمری در اختیار ما قرار می دهند. اما خواننده رساله فلکیه نبایستی به چارچوب بندیهای زمانی اطلاعات تاریخی عرضه شده در رساله بیش از اندازه اعتماد کند و همواره می بایست با دیدی نقادانه به زمان وقوع رویدادها بنگرد زیرا در بخشهای چشمگیری از رساله سالهای یاد شده از سوی نویسنده هیچ گونه مطابقتی با زمان واقعی رویدادها ندارند. به ویژه تعیین سالهای ۷۶۴ و ۷۶۵ هجری قمری بعنوان زمان وقوع رویدادهای طرح شده در بخشهایی از فصل هشتم رساله زیر عنوان های: صورت روزنامهچه - صورت دفتر اوراچه - قاعده در بیان دفتر توجهات - صورت دفتر تحویلات نادرست می نماید. زیرا نویسنده پس از توضیح چگونگی نگارش دفتر روزنامهچه بدین ترتیب یک نمونه مستند ارائه می نماید که: «الروزنامهچه - المستجله بعون الله تعالی و حسن توفیقه مشتمله علی المہتمات والمصالح الدیوانیه الواقعه من مقرر الامور الواقعه فی سنه خمس و ستین و سبعمائنه ابتدا وھا غزہ محرم الحرام الی آخر ذی الحجہ و الحمد لله و المئنه. سپس با گذاشتن تاریخ روز دوم محرم رویدادهای ثبت شده را عنوان می کند. ۴ تا جاییکه از صورت مبالغ پرداختی به نیروهای مغول تحت فرماندهی دو امیر تومان به نامهای «الامیر العادل چوبان و الامیر الاعظم

حسن بگ» یاد می نماید. اما تردیدی وجود ندارد که امیر شیخ حسن کوچک چوپانی در شب هفتم رجب سال ۷۴۴ هجری قمری به قتل رسید و امیر شیخ حسن بزرگ جلایری در سال ۷۵۷ هجری قمری در بغداد از دنیا رفت بنابراین ثبت تاریخ ۷۶۵ هجری قمری اشتباه بوده است. در حقیقت دو امیر مذکور پس از مرگ ابوسعید بهادرخان و بروز پاره‌ای اغتششات به تدریج با یکدیگر مصالحه نمودند و تا حدود سال ۷۴۰ هجری قمری در کنار یکدیگر قلمرو ایلخانان مغول را اداره کردند. بنابراین به نظر می رسد که اطلاعات تاریخی بخشهای یاد شده ۶ مربوط به سالهای ۷۳۸ تا ۷۴۰ هجری قمری می باشند. همچنین در صورت حسابهایی که در ادامه آمده است از شهرهای مملکت خراسان مانند هرات، نیشابور، اسفراین، بسطام، طوس، مشهد، باخرز، جاجرم و نیز کرمان، یزد، ابرقو، اصفهان و شیراز نامبرده است ۷ که در سال ۷۶۵ هجری قمری هیچکدام جزء قلمرو جلایریان نبوده‌اند. از طرفی مناطق خراسان در حدود سال ۷۳۸ تحت حکومت طغا تیمور بود که با دعوت امیر حسن بزرگ جلایری و موافقت امیر حسن کوچک چوپانی برای اداره تمامی قلمرو ایلخانان در سالهای اتحاد دو امیر دعوت شده بود و در نتیجه خراسان سایر مناطق سابق حکمرانی ایلخانان شامل ممالک فارس، کرمان و عراق عجم تحت اداره یک حکومت متمرکز، در آمدند. بنابراین از این حیث نیز اطلاعات یاد شده مربوط به سالهای ۷۳۸ هـ ق تا ۷۴۰ هـ ق می باشند. از سوی دیگر نویسنده پس از توضیح دفتر تحویلات نمونه مستندی از چگونگی نگارش این دفتر به تاریخ اول محرم سال ۷۶۴ هجری قمری ارائه می نماید که در میان اطلاعات تاریخی عرضه شده صورت پرداخت هزینه ساخت یک قصر سلطنتی در شیراز به چشم می خورد. ۸ در حالی که شیراز در سال ۷۶۴ هجری قمری به صورت مستقل جزء قلمرو مظفریان بود. و از طرفی در جای دیگر از همین رساله تحت عنوان مفرد در بیان عمارت صورت حساب مربوط به ساخت قصر مذکور به تاریخ اول محرم سال ۷۴۰ هجری قمری ثبت شده است ۹ مقارن با دوره اتحاد امیر شیخ حسن کوچک چوپانی و امیر شیخ حسن بزرگ جلایری است. بنابراین ثبت تاریخ ۷۶۴ هجری قمری نادرست و تاریخ ۷۴۰ هجری قمری درست به نظر می رسد. سرانجام چنین می نماید که تعیین تاریخ ۷۶۵ و ۷۶۴ هجری قمری برای اطلاعات تاریخی صفحات ۸۱ تا ۱۲۸ رساله درست نمی باشد. و مطالب یاد شده مربوطه به سالهای میان ۷۳۸ تا ۷۴۰ هجری قمری هستند.

گستره مکانی اطلاعات تاریخی رساله فلکیه به گونه‌ای چشمگیر پیرو بسترهای متفاوت زمانی اطلاعات در قرون هشتم و نهم هجری قمری است. زیرا نویسنده در تدوین کار خود از نمونه‌های دیوانی موجود در دیوان تبریز و بغداد بهره برده است و از آنجا که تبریز پایتخت ایلخانان مغول بوده اطلاعات عرضه شده مربوط به نیمه نخست قرن هشتم هجری قمری در برگیرنده تمامی ممالک و شهرهای قلمرو ایلخانان

می باشد. اما بیش از هر کجا اطلاعات تاریخی کتاب را چه به لحاظ زمانی و چه از حیث گستره مکانی به خود اختصاص داده‌اند. اما اطلاعات تاریخی رساله فلکیه از نیمه دوم قرن هشتم هجری قمری به بعد بلحاظ مکانی محدود به نیمه غربی ایران می گردد.

پژوهشگر دوران مغول، جلایری و قراقویینلو از چند چشم انداز متفاوت می تواند به رساله فلکیه بنگرد و قضایای تاریخی سودمندی ترتیب دهد. از جمله در یک نگرش عمومی ارقام و اعداد عرضه شده در سر تا سر رساله شایان بررسی به نظر می رسند. زیرا با استفاده از این ارقام می تواند به نکات جالبی مانند چگونگی میزان مالیات مؤدیان مالیاتی، چگونگی قیمت برخی از اجناس، میزان سهم دریافتی امرا و کارکنان حکومت از مالیاتهای اخذ شده، چگونگی نرخ طلا، تفاوت نرخ دینار و تومان، میزان هزینه‌های تخصیص یافته به امور نظامی، شناخت درصد تخصیص مخارج دیوانی مانند: مرسومات، انبازات و مواجب، و میزان نرخ برخی از دستمزدها دست یافت. همچنین در یک نگرش عمومی دیگر بر روی تمامی متن رساله فلکیه می توان شناخت درستی از زبان دیوانی بدست آورد.

هر چند شناخت زبان ویژه دیوانی هر دوره تاریخی از جمله نکات قابل توجه تاریخ ایران است اما پژوهشگران کمتر اقدام به شناسایی دقیق آن در هر دوره‌ای نموده‌اند. از این رو رساله فلکیه به جهت شناسایی زبان ویژه دیوانی قرون هشتم و نهم هجری قمری بویژه در نیمه غربی ایران بسیار حائز اهمیت است. خواننده هنگام مطالعه رساله فلکیه با دو زبان متفاوت روبرو می شود نخست زبان فارسی رایج که نویسنده آموزه‌های حسابداری دیوانی را به وسیله آن توضیح داده است. و دیگر اینکه نویسنده هنگام ارائه نمونه‌های مستند خواننده را با زبان متفاوتی که ملقمه‌ای است از زبان فارسی و عربی روبرو می نماید. از این رو شناخت تاریخ و مکان ثبت نمونه‌های عرضه شده از این حیث که در چه زمانی و به چه دیوانی تعلق داشته‌اند ناگزیر می باشد.

از آنجا که شناخت محدوده موضوعات اطلاعات تاریخی رساله فلکیه ضروری است

زیر نویس‌ها:

- ۱- ر. ن. فرای، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، مترجم حسن انوشه، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ هـ. ش. ج ۴، ص ۳۳۱
- ۲- عبد الله بن محمد بن کیامازندران، رساله فلکیه، تصحیح والتر هینتس، چاپ اول، ویس باذن، انتشارات هیئت مستشرقین، ۱۳۳۱ هجری شمسی / ۱۹۵۲ میلادی. ص ۲۰
- ۳- همان، ص ۲۷
- ۴- همان، صص ۲-۸۲
- ۵- همان، ص ۸۴
- ۶- همان، صص ۱۲۸-۸۱
- ۷- همان، ص ۹۵
- ۸- همان، صص ۲۵-۱۲۲
- ۹- همان، ص ۲۱۱

جدولی تحت عنوان «جدول محتویات رساله فلکیه» جهت تسهیل کار پژوهشگران به ترتیب زیر تنظیم گردید:

جدول محتویات رساله فلکیه		
صفحه	محتویات	تاریخهای موجود در متن
۳-۱۰	توضیح مفهوم اعداد کسری و اعداد صحیح - نمونه‌ای از میزان جزیه دریافتی از مسیحیان و چگونگی خرج مبالغ اخذشده در سال ۸۲۰ هجری قمری	۸۲۰ هجری قمری
۱۰-۲۳	توصیف ارقام مورد استفاده در محاسبات شامل: ارقام انسان، قطعه، متقال، دست، طاق، ذراع، درهم، عدد، تختجه، حیبه، مغاز، عقد، فرد، زوج، فن، تد، کیلجه، وقر، حمل، قبضه، دستجه، قد، فلابه، تطبقه، مجلد، همراه با تطبقه، مجلد، همراه با ارائه نمونه - نمونه‌ای سودمند از میزان و نوع محصول دریافتی بعنوان «ودیمه» از روستای فتح آباد در سال ۸۲۱ هجری قمری.	۸۲۳ هجری قمری ۸۷۱ هجری قمری ۸۲۱ هجری قمری
۲۳-۲	توضیح مختصری در زمینه قواعد هندسه (اعداد هندی)	—
۲۵-۷	توضیح مفاهیم قواعد دفتر دربرگیرنده اصطلاحات دفتری مانند: صدرا لصاب و أم الحساب، تاریخ، جائزه، ترلین، تاریخ، ورق، تد، حرف و دلمه، جمع و تکمیل.	—
۲۷-۳۲	توضیح قواعد حشو و بارز همراه با ارائه نمونه‌های متعدد نمونه‌هایی از میزان دریافت مالیات تمغا و جزیه از مسیحیان و یهودیان شهر شوشتر و مالیات تمغا از صف بزاز و جزیه از مسیحیان بغداد	—
۳۵-۸	توضیح مفاهیم قواعد «منها» و «من ذلک» - نمونه‌ای از اخراجات تعیین شده بر شهر اصفهان تعیین شده بر شهر اصفهان در سال ۷۶۰ هجری قمری - نمونه‌ای از پرداخت مواجب در سال ۸۲۱ هجری قمری.	۷۶۰ هجری قمری ۸۲۱ هجری قمری
۳۹-۴۲	توضیح قاعدة اصالت یا الحاق - نمونه روشنی از متوجهات دیوانی یک سال مالیاتی شهر حویزه در سال ۸۲۲ هجری قمری - میزان وجوه الارضاع الخاصة السلطانی.	۸۲۲ هجری قمری
۴۳-۵	توضیح قاعدة باقی و زیاده - نمونه متوجهات دیوانی یک سال مالیاتی شهر بصره در سال ۷۲۵ هجری قمری - نمونه‌هایی جالب از مصارف ادارات، مرسومات و معاش.	۷۲۵ هجری قمری
۴۵-۵۱	نمونه‌های دیگر از متوجهات دیوانی سالهای مالیاتی ۷۲۲ هجری قمری و ۷۲۶ هجری قمری شهر بصره و نیز نمونه‌های دیگر از همین شهر مربوط به سال ۷۲۲ هجری قمری.	۷۲۶ هجری قمری
۵۱-۷	توصیف روش نردبان پایه - اخراجات مقرر شده بر بغداد - گزارش صورت حساب لریه نجم آباد با تأکید بر دو عنصر این گزارش شامل صدر یا عامل دیوان و فرد مقاطع در سال ۷۶۰ هجری قمری - همچنین موضوع تقسیم بندی مالیاتی افراد لریه زیر عناوین: ثمن الفواکه، فبجور و جزیه حائز اهمیت است.	۷۶۰ هجری قمری
۵۷-۶۱	توصیف مؤامره - موضوع چگونگی واگذاری عملداری دیوان به یک شخص عملدار توسط سلطان در سال ۷۴۱ هجری قمری - شرح میزان مالیات یشنهادی سالانه سی و دو صنف شهر تبریز در همان سال - شرح میزان مالیات نواحی اطراف تبریز و روستاهای تابعه بسیار با ارزش می‌باشد.	۷۴۱ هجری قمری
۶۱-۵	شرح اخراجات تبریز	—

جدول محتویات رساله فلکیه

صفحه	محتویات	تاریخهای موجود در متن
۸۰-۶۵	توضیح قواعد نمه- چگونگی ارتباط مقاطع با عملدار و ارتباط عملدار با خزانه و سپس دیوان اعلیٰ- واگذاری مالیات تبریز به مقاطع در سال ۷۶۴ هجری قمری به طریقه مؤامره که شامل شرح مفصل و بی نظیری از موارد دربارتی و پرداختی مقاطع و نحوه حساب وی با دیوان اعلیٰ است.	۷۶۴ هجری قمری
۸۱-۳	توضیح چگونگی نگارش دفتر روزنامهچه با روزنامه	۷۶۵ هجری قمری؟
۸۳-۱۰۲	گزارش نمونه‌ای از دفتر روزنامهچه که به احتمال قوی در ارتباط با شش روز از سال ۷۳۹ هجری قمری در دوره ایلخانان رقیب می‌باشد. این گزارش نمونه‌ای پراکنده از یکسال است. اما جزئیات کامل امور مالی ایلخانان در هر روز را دقیقاً بیان می‌نماید.	—
۱۰۴-۱۰۸	توضیح و توصیف دفتر اوراچه- گزارش گسترده و متنوعی از امور مالی دیوان مرکزی در حدود سالهای ۷۳۸ تا ۷۴۰ هجری قمری در موضوعات متنوعی مانند: ادارات، مصالح، مرسومات، اخراجات، یامات، عمارات، پروات، یانجات، آفات، قطع القوائل	۷۶۲ هجری قمری؟
۱۰۸-۱۱۱	حساب مقایسه بنیاد در سال ۷۶۲ هجری قمری که به نظر می‌رسد مربوط به سالهای پیش از سال ۷۳۶ هجری قمری باشد- گزارش مختصر هزینه یامات بنیاد- تبریز که بر عهده دیوان بنیاد بوده است، یکی از نکات با ارزش این محاسبه می‌باشد.	۷۶۲ هجری قمری؟
۱۱۱-۱۲۲	شرح و توضیح دفتر توجیحات- نمونه‌های روشن از چگونگی تأمین هزینه‌های مخارج پیشنهادی دیوان اعلیٰ بوسیله وزیر در چارچوب نگارش دفتر توجیحات- همچنین نمونه کاملی از نوع مخارج دیوان اعلیٰ بدست می‌دهد- گزارش کوتاه از گرجستان چگونگی تابعیت این مملکت از دیوان اعلیٰ را در دوره متأخر حکمرانی ایلخانان روشن می‌سازد.	۷۶۲ هجری قمری؟
۱۲۲-۱۲۷	توضیح دفتر تحویلات- نمونه‌های عرضه شده در راستای شناخت چگونگی تأمین هزینه‌ها و سپس واگذاری بودجه مورد نظر به اشخاص متفاوت با عاملین جهت صرف مخارج دیوان اعلیٰ مفید می‌نماید.	۷۶۲ هجری قمری؟
۱۲۸-۲۸	توصیف دفاتر مفردات- در چارچوب دفتر مفرد حساب مقایسه هر شهر جداگانه ثبت می‌گردید و در پایان سال مورد حسابرسی قرار می‌گرفت. بنابراین در اینجا حساب دیوان تبریز در سال ۷۲۱ هجری قمری که پیش از این در چارچوب مؤامره تعیین شده بود، با اتمام سال مالی بصورت گسترده و جزئی مورد حسابرسی قرار گرفته است.	۷۶۲ هجری قمری
۱۲۹-۵۳	توضیح مفهوم واژه‌های مقرزیه و اطلاقیه- حسابرسی سال مالی ۷۲۲ هجری قمری	۷۲۲ هجری قمری
۱۵۳-۶۲	چگونگی نگارش دفتر جامع الحساب- محدوده جغرافیایی هر یک از ممالک از حیث تقسیم‌بندی مناطق جهت اخذ مالیات تعیین شده است- همچنین میزان مالیات حاصله از هر یک از ممالک در سال ۷۵۰ هجری قمری معلوم گردیده است.	۷۵۰ هجری قمری
۱۶۲-۲۲	چگونگی مصارف مالیات اخذ شده در سال ۷۵۰ هجری قمری در چارچوب دسته‌بندیهای اصلی اخراجات شامل: مقریه و اطلاقیه و توصیف کامل مشمولین دربارت مقریه و مشمولین دربارت اطلاقیه و گزارش میزان تعلق مقریه و اطلاقیه به هر مملکت.	—
۱۷۲-۸۲	توصیف چگونگی دفتر قانون مملکت- چگونگی میزان دربارت مالیات بر اساس قانون مضموب دیوان اعلیٰ از اصناف بیان شده است.	—

جدول محتویات رساله فلکیه

تاریخهای موجود در متن	محتویات	صفحه
۷۲۰ هجری قمری	توضیح چند لقمه دفتر - نمونه ای از محاسبات دیوانی تبریز در سال ۷۲۰ هجری قمری - نمونه ای از محاسبات دیوانی در سال ۷۲۴ هجری قمری مربوط به ناحیه نصر آباد - نمونه ای از مخارج دربار در مورد مصرف گوشت در سال ۷۲۸ هجری قمری - نمونه ای از محاسبات اصطبل دربار در سال ۷۲۱ هجری قمری.	۲۱۰-۱۸۲
۷۲۰ هجری قمری	توضیح چگونگی تکاوش صورت حساب ساخت عمارت - نمونه ای از صورت حساب ساخت یک کاخ در شهر شیراز در سال ۷۲۰ هجری قمری که از حیث ارائه اطلاعاتی در زمینه نوع مصالح ساختمانی و ابزار کار و قیمت ابزار و دستمزد روزانه کارگران شامل بنا، نظارت نقل و کارگر ساده بسیار مفید می نماید.	۲۱۶-۲۱۱
۷۲۱ هجری قمری	نمونه ای از چگونگی حساب محصول شلتوک در سال ۷۲۱ هجری قمری	۲۱۶-۲۰
۷۲۰ هجری قمری	نمونه ای از حساب انبار خاضه در سال ۷۲۰ هجری قمری	۲۲۰-۲۸
۷۲۰ هجری قمری	نمونه ای از صورت محاسبه دارالضرب شیراز در سال ۷۲۰ هجری قمری	۲۲۸-۲۳
۷۲۱ هجری قمری	که نشان دهنده روند تکامل جریان ضرب سکه در دوره مغول می باشد.	۲۲۰-۵۲
۷۲۱ هجری قمری	نمونه ای از چگونگی تکاوش حساب خزانه پایتخت در سال ۷۲۱ هجری قمری که حاوی اطلاعات سودمندی در مورد وجود مسکوکات در خزانه و نیز میزان دارایی خزانه حکومت مرکزی در سال مذکور می باشد.	

بقیه از صفحه ۱۱

۱۱- متن چاپ شده توسط لاتگه در کتابخانه ملی ایران موجود است. این متن در ده جلد چاپ شده است:

Chardin, Jean. 1643 - 1713: Voyages du Chevalier Chardin en Perse, et autres lieux de l'orient, enrichis d'un grand nombre de belles Figures en Taille Douce.

Nouvelle édition, Soigneusement Confarée Sur les trois éditions originales, augmentée d'une notice de la perse, depuis les temps les plus reculés Jusqu'à Ce jour, de Notes, etc. Par L. Langles. 10 Vols.

Paris, Le Normant, 1811 (XL VIII, 4859 p.)

برای مشخصات و محتوای این چاپ نگاه کنید به: محمد تقی پوراحمد چکتاجی [گردآورنده] فهرست توصیفی سفرنامه های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران. انتشارات کتابخانه ملی ۱۳۵۵. ص ۳۲-۳۳. در متن ۱۰ جلدی چاپ شده از سوی لاتگه جلد یکم دربرگیرنده مقدمه های چاپهای ۱۷۱۱م و ۱۷۲۵م. و خلاصه زندگی شاردن و متن و پانویسها است. جلد دوم تا نهم متن سفرنامه را تشکیل می دهد و جلد دهم دربرگیرنده اطلاعاتی سودمند درباره نکات تاریخی متن، یادداشت سال شماری تاریخ ایران از ناشر، فهرست تحلیلی و الفبایی موضوعات مندرج در ده مجلد توضیح لوحها و تصاویر چاپ شده در اطلس و فهرست کارهای مهم مصحح آن یعنی لاتگه است. چکتاجی همان کتاب. ص ۳۳-۳۴.

۱۲- نگاه کنید به: نسخه شماره: ادبیات ۴۸ حکمت، شکسته نستعلیق سده ۱۴ در ۱۸۱ ص.

۱۳- نسخه شماره: ادبیات ۳۹ حکمت از سده ۱۴. ۱۴۰ ص.
۱۴- نسخه شماره: ادبیات ۵۰ حکمت، شکسته نستعلیق ۲۲ سوال ۱۳۳۱. نوشته محمد علی قائم مقامی فراهانی. به دستور سردار اسعد بختیاری. نگاه کنید به فهرست ادبیات ۲۴:۲.

۱۵- نسخه شماره ۴۵۲۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

نستعلیق گویا از خود مترجم. در ص ۴ مترجم آن سید محمد یاد شده است. نسخه جلد نهم است. ۷۵ برگ. نگاه کنید به فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۳: ۳۴۸۴. برای مشخصات این نسخه ها همچنین نگاه کنید به: احمد منزوی. فهرست نسخه های خطی فارسی. جلد ششم مؤسسه فرهنگی منطقه ای. ص ۴۰۴۱ - ۴۰۴۰.

۱۶- میرزا علیرضا خان. تاجگذاری شاه سلیمان (صفوی). (۱ ج ۱۳۳۱ق) مشار ۱۰۱۷۱؛ آغاز بزرگ طهرانی. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۰۷/۳. احمد منزوی. فهرستواره کتابهای فارسی. مجلد دوم. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ یکم. تهران ۱۳۷۵. ص ۸۲۵.

۱۷- ژان شاردن. سفرنامه شاردن، قسمت شهر اصفهان ترجمه حسین عریضی. چاپ دوم. انتشارات نگاه (تهران ۱۳۶۲) احمد منزوی در فهرست نسخه های خطی فارسی. جلد ششم ص ۴۰۴. ترجمه بخش دیدار شاردن از اصفهان را از ابوالقاسم فرزند علی اصغر عریضی متخلص به نژد معرفتی می کند که در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در ۱۷۶ صفحه نشر یافته است.

۱۸- ژان. شاردن، سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. ده جلد. چاپ یکم. انتشارات امیرکبیر (تهران ۱۳۳۵).

۱۹- همان کتاب. جلد یکم. ص چهل و پنج

۲۰- همان کتاب. همان جلد. ص ۵.

۲۱- همان جلد. ص ۲۳.

۲۲- سفرنامه شوالیه شاردن. جلد یکم. ترجمه اقبال یغمایی. چاپ یکم. همان ناشر (تهران ۱۳۷۲)؛ همان. جلد دوم چاپ یکم؛ (تهران ۱۳۷۴)؛ همان. جلد سوم. چاپ یکم؛ (تهران ۱۳۷۴)؛ همان. جلد چهارم. چاپ یکم؛ (تهران ۱۳۷۴)؛ همان. جلد پنجم. چاپ یکم؛ (تهران ۱۳۷۵)

۲۳- جلد یکم چاپ محمد عباسی فقط بخشی از جلد یکم چاپ اقبال یغمایی را در برمی گیرد. در ترجمه جدید، صفحه ۲۳۱ پایان جلد یکم چاپ عباسی و آغاز جلد دوم همین چاپ است.

۲۵- نگاه کنید به مقدمه اقبال یغمایی بر ترجمه جدید. جلد یکم. ص ۱۴-۱۱. و مقدمه محمد عباسی؛ در جلد یکم چاپ

۱۳۳۵ خورشیدی. که در آن عباسی نقل قولهایی از دانشمندان و سیاستمداران را درباره اهمیت و ارزش این سفرنامه آورده است. صفحه نه تا چهل و شش.

۲۶- جلد دوم، ص ۳۸۳. از این پس همه ارجاعات به ترجمه جدید چاپ انتشارات توس خواهد بود.

۲۷- همان جلد. ص ۴۸۴.

۲۸- همان جلد. ص ۴۸-۵۴۷.

۲۹- همان جلد. ص ۵۸۹.

۳۰- جلد یکم. ص ۴۲۰.

۳۱- همان جلد. ص ۴۲۵.

۳۲- جلد دوم. ص ۴۸۷.

۳۳- همان جلد. ص ۴۸۸.

۳۴- همان جلد. ص ۴۹۱.

۳۵- همان جلد. ص ۶۷۷.

۳۶- همان جلد. ص ۷۷۵.

۳۷- همان جلد. ص ۷۷۶.

۳۸- همانجا.

۳۹- همان جلد. ص ۸۵۶.

۴۰- همان جلد. ص ۸۵۷.

۴۱- همان جلد. ص ۸۸۶.

۴۲- همان جلد. ص ۸۸۵.

۴۳- همان جلد. ص ۸۹۶.

۴۴- همان جلد. ص ۷۰۰.

۴۵- همان جلد. ص ۷۶۱.

۴۶- همانجا.

۴۷- همان جلد. ص ۷۶۲.

۴۸- جلد سوم. ص ۹۳۱.

۴۹- همان جلد. ص ۹۳۸.

۵۰- همان جلد. ص ۱۱۰۱.

۵۱- همان جلد. ص ۱۱۰۲.

۵۲- همانجا. شاردن از دیگر منابع تاریخ نگاری ایران ذکری به میان نمی آورد.